

استراتژی اسرائیل در کردستان عراق و نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران

احمد حیدری* / سیدمصطفی ابطی**
حمید احمدی*** / احمد ساعی****

چکیده

رژیم صهیونیستی از زمان شکل‌گیری در سال ۱۹۴۸ توجه خاصی به کردستان عراق داشته و تنها کشوری است که به حمایت آشکار از پروسه استقلال‌خواهی اقلیم کردستان پرداخت. بر این اساس مسئله تحقیق حاضر این است که علت این حمایت‌ها و همکاری‌های استراتژیک بین اقلیم کردستان و رژیم صهیونیستی بدون داشتن روابط رسمی دیپلماتیک چیست و چه تبعات و پیامدهایی برای ایران به دنبال داشته است؟ از این منظر فرضیه ذیل مطرح می‌شود که رژیم صهیونیستی به دنبال تأمین منافع سیاسی، اقتصادی و استراتژیک خود در منطقه بوده و با توجه به توان و نفوذ ایران در منطقه، سعی در نزدیکی به مرزهای ایران و مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای آن از طریق استقلال کردستان و تجزیه عراق دارد. هدف از تحقیق پیش‌رو پاسخ به پرسش‌های پژوهش و بررسی صحت یا نادرستی فرضیه مطرح شده با تکیه بر روش تبیینی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی است. نتایج تحقیق، حاکی از گسترش روزافزون روابط رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان در ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی است.

واژگان کلیدی

اسرائیل، اقلیم کردستان، همه‌پرسی استقلال، جمهوری اسلامی ایران.

*. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
ahmadhid@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
m.abtahi100@gmail.com

*** استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
hahmadi@ut.ac.ir

**** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
changiz1346@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۸

طرح مسئله

از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی، این رژیم مشکلات عدیده‌ای را در جهان اسلام ایجاد کرده است. جنگ‌های آن رژیم با اعراب و اشغال بخش‌هایی از سرزمین‌های اسلامی متعلق به فلسطین، اردن، سوریه و مصر، حملات به لبنان، عراق و سوریه در سال‌های اخیر، نشان از ماهیت ضد اسلامی و توسعه‌طلبانه آن رژیم در منطقه جهان اسلام را دارد. در این میان اقلیم کردستان عراق نیز از مناطقی است که رژیم صهیونیستی توجه ویژه‌ای به آن دارد. علت این امر بیشتر مسائل کردها با دولت‌های متعدد در عراق تحت حاکمیت اعراب سنی بوده است که همواره از اعراب فلسطینی حمایت می‌کردند. در مقابل کردها به دلیل مشکلات و درگیری با دولت‌های عراق، احساس نزدیکی به رژیم صهیونیستی داشته‌اند که غیر عرب بوده و جمعیت قابل توجهی از آنها نیز یهودیان کردتباری بودند که از کردستان عراق به اسرائیل مهاجرت نموده‌اند.

استراتژی و سیاست‌های ایران و رژیم صهیونیستی در دوره پهلوی با هم یکسان بود. اما پیروزی انقلاب اسلامی و حمایت همه‌جانبه ایران از جنبش‌های فلسطینی موجب رویارویی سیاست‌های آن دو در نقاط مختلف منطقه خاورمیانه شده است. که در این رویارویی جایگاه اقلیم کردستان ویژه بوده و به سبب روابط گسترده ولی غیر رسمی بین اقلیم کردستان و رژیم صهیونیستی و وجود پایگاه‌های گروهک‌های کرد معارض دولت ایران در اقلیم کردستان می‌تواند تهدیداتی را متوجه مرزها و مناطق کردنشین ایران نماید. سؤال این است که علت این حمایت‌ها و همکاری‌های استراتژیک بین اقلیم کردستان و رژیم صهیونیستی بدون داشتن روابط رسمی دیپلماتیک چه بوده و توسعه این روابط و تحکیم اتحاد استراتژیک بین آنها چه تبعات و پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت؟ از این منظر فرضیه ذیل مطرح می‌شود که رژیم صهیونیستی به دنبال تأمین منافع سیاسی، اقتصادی و استراتژیک خود در منطقه بوده و باتوجه به توان و نفوذ ایران در منطقه، سعی در نزدیکی به مرزهای غربی ایران و مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای آن از طریق استقلال کردستان و تجزیه عراق دارد. هدف از پژوهش پیش‌رو پاسخ به پرسش‌های پژوهش و بررسی درستی یا نادرستی فرضیه مطرح شده، با استفاده از روش تبیینی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی است.

پیشینه تحقیق

از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، توجه دولت‌های آن به ملل غیر عرب منطقه جزء سیاست‌های آنان بوده و همیشه تلاش داشته‌اند جنبش‌های کرد منطقه را مورد حمایت قرار دهند که در

این میان کردهای عراق جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. وجود این روابط و تردد هیئت‌ها و مقامات دو طرف و حمایت‌های رژیم صهیونیستی از کردهای عراق و اهداف آن دولت از این‌گونه اقدامات، موضوع مقالات و کتاب‌های بسیاری بوده است. با توجه به روابط خصمانه رژیم صهیونیستی با دولت ایران و تلاش آن برای استفاده از فضای اقلیم کردستان برای مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ایران و به‌ویژه تحریک و حمایت از گروه‌های معارض کرد ایران که در اقلیم کردستان عراق پایگاه داشته و فعالیت می‌نمایند، می‌تواند تهدیدی برای امنیت ملی ایران بوده و نگرانی‌هایی را برای دولتمردان ایجاد کرده است. این مهم از زوایای متعدد مورد توجه و تحقیق محققین کشور بوده است که به تعدادی از آنها پرداخته می‌شود.

عبدالمجید البرز در پایان‌نامه کارشناسی خود تحت عنوان «تأثیر بحران کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی روابط رژیم صهیونیستی از زمان ملامصطفی بارزانی و کمک‌های تسلیحاتی مالی و اطلاعاتی و آموزشی آن به اکراد عراق پرداخته و عنوان می‌نماید: هدف اسرائیل از کمک به اکراد عراقی این بود که دولت عراق را تضعیف نموده و ارتش عراق را از جنگ یا پشتیبانی از جنگ با صهیونیست‌ها باز دارند. (البرز، ۱۳۷۹: ۵۶) کاوه افراسیابی در مقاله‌ای تحت عنوان «تلاش رژیم صهیونیستی برای نفوذ در کردستان عراق» به روابط ایران و رژیم صهیونیستی در قبل و بعد از انقلاب پرداخته و معتقد است: در دهه ۷۰ میلادی سیاست‌های رژیم پهلوی با آمریکا و اسرائیل در خصوص کردهای عراق همخوانی داشت. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اهداف آمریکا و اسرائیل درخصوص اکراد تلاش برای نفوذ بیشتر در بین آنها و فشار به دولت‌های ایران و عراق بوده است. (افراسیابی، ۱۳۸۳: ۷۱) علیرضا موسوی‌زاده و مهدی جاودانی مقدم در مقاله «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی ایران» به این نتیجه می‌رسند که روابط کردها و اسرائیل بر پایه منافع حیاتی دوجانبه شکل گرفته و پیامدهایی برای ایران داشته و پیشنهاد می‌کنند استراتژی ایران در این باره بایستی بر مبنای حفظ تمامیت ارضی عراق و مقابله با نفوذ اسرائیل و حساسیت نسبت به تعاملات اسرائیل و کردها باشد. (موسوی‌زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۱۹) صادق زیباکلام و محمدرضا عبدالله‌پور در مقاله «ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق عامل همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل» نتیجه می‌گیرند: اقلیم کردستان در حوزه کشش و رانش سه حوزه فرهنگی ایرانی، عربی و ترکی قرار دارد. بعد از اشغال عراق و تحت فشار حوزه‌های مزبور، دولت کردستان عراق به ناچار تحت تأثیر گونه‌ای تعبد استراتژیک، به سوی اسرائیل کشیده شد که نفعی دو سویه برای آنها در پی دارد. (زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۷۲) عارف بیژن در مقاله «رابطه رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» به موضوع حضور رژیم صهیونیستی در منطقه اقلیم کردستان پرداخته و

نتیجه می‌گیرد که مسئله کردها و آرمان آنها برای کسب استقلال و خودمختاری وسیله و یا بهانه را برای این رژیم در راستای اهداف راهبردی آن در این منطقه فراهم نموده تا با تشویق آنها به استقلال، زمینه را برای تجزیه عراق و تعقیب و تحقق ادعاهای ارضی خود در این سرزمین فراهم نماید. همچنین این ادعای استقلال و خودمختاری کردها این فرصت را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داده تا با مداخله و حضور در شمال عراق و حمایت از کردها زمینه را برای ایجاد ناامنی و افزایش منازعات قومی و مذهبی در منطقه فراهم نماید. (بیژن، ۱۳۹۵: ۶)

نبی‌الله روحی در مقاله «استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن»، سیاست رژیم صهیونیستی از حضور در عراق را پیشبرد و تأمین منافع سیاسی امنیتی، سلب فرصت و محدودسازی حضور ایران در شمال عراق، حمایت از اپوزیسیون مسلح ایرانی در شمال عراق و تجزیه عراق و استقلال اقلیم کردستان می‌داند. (روحی، ۱۳۹۳: ۱۴۴) مسعود اخوان کاظمی، فرزند رستمی و حامد شاه‌ملکی در مقاله «رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران»، اهداف راهبردی اسرائیل را ایجاد یک متحد استراتژیک جدید در منطقه از طریق تجزیه عراق و استقلال اقلیم کردستان و مقابله با نفوذ ایران در منطقه می‌داند. (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱)

نوشته‌ها و مقالات مذکور علی‌رغم داشتن نقاط قوت و ارائه اطلاعات سودمند، هریک از جنبه‌ای خاص موضوع روابط رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان را مورد بررسی قرار داده‌اند و عموماً تحولات اخیر کردستان عراق بعد از اجرای همه‌پرسی استقلال را شامل نشده و یا گذرا اشاره کرده‌اند. این مقاله در نظر دارد نگاهی عمیق‌تر به موضوع و جوانب آن داشته و تحولات اخیر اقلیم کردستان، به‌ویژه انجام همه‌پرسی استقلال و نگرانی‌های ایران در این باره را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

چارچوب نظری

در گذشته در زمان وجود کشور شوروی، نظام دو قطبی به رهبری آمریکا و شوروی بر جهان حاکم بوده و تحلیل روابط کشورها بر مبنای نظریه موازنه قوای رئالیست‌ها مهم‌ترین نظریه در روابط بین‌الملل بود. توازن قوا به نظام و سیستمی اشاره دارد که بازیگران اصلی در آن هویت، تمامیت و استقلال خود را از طریق فرایند ایجاد توازن، تأمین و حفظ می‌نمایند. به عبارت دیگر موازنه قدرت، قانون رفتار دولت‌هاست که در آن دولت‌ها در صورت مواجهه با قدرتی متجاوز و برهم زننده تعادل، به تأسیس یک ائتلاف متوازن‌کننده مبادرت ورزیده و از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌نمایند. (دوئرتی، ۱۳۸۸: ۶۷) اما وقایعی مانند فروپاشی شوروی و تبدیل آمریکا به قدرت بلامنازع بین‌المللی و نبود یک موازنه جدی در

برابر آن، تا پایان قرن بیستم باعث تردید در کارآمدی نظریه موازنه قوا در شرایط جدید شد و از طرف نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل مورد انتقاد جدی قرار گرفت. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۹۰: ۷۶) عدم تحقق نظریه موازنه قوا علیه ایالات متحده پس از جنگ سرد، استفن والت از نظریه‌پردازان مکتب واقع‌گرایی تدافعی نئوکلاسیک را به‌سوی جابجایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی از موازنه قدرت، به موازنه تهدید سوق داد. او معتقد است که قدرت‌ها در برابر افزایش قدرت سایرین دست به موازنه نمی‌زنند. در مقابل آنچه باعث می‌شود کشورها به توازن روی آورند، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. از نظر والت، در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری موازنه در برابر قدرت‌های برتر، علاوه بر متغیر قدرت، سه متغیر دیگر نیز تأثیرگذارند که عبارتند از: مجاورت، قابلیت‌های تهاجمی و نیت تهاجمی. (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷۸) والت با تأکید بر متغیر قدرت توضیح می‌دهد که دولت‌های قدرتمند در اساس برای دیگران تهدید محسوب می‌شوند. زیرا نمی‌توان تضمینی در برابر نحوه استفاده آنها از قدرتشان داشت. بر این اساس، افزایش قدرت یک دولت، به افزایش احساس تهدید از سوی دیگران و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای می‌انجامد. از این رو، وی قدرت را یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری موازنه می‌داند. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶: ۴) دیگر متغیر مؤثر در ایجاد موازنه از دیدگاه والت، متغیر مجاورت و نزدیکی جغرافیایی می‌باشد. به‌گونه‌ای که هرچه فاصله جغرافیایی دولت‌ها نزدیک‌تر باشد، آنها نسبت به هم تهدیدزاتر خواهند بود و هرچه فاصله آنها از یکدیگر بیشتر باشد، تهدیدزایی آنها از یکدیگر کمتر خواهد بود. (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷۹) متغیر سوم از دید والت قدرت تهاجمی دولت‌هاست. بدین معنی که در صورت ثابت ماندن دیگر متغیرها، دستیابی دولت‌ها به توانایی نظامی ویژه یا توانایی سیاسی خاص، مانند ایدئولوژی یا گفتمان دامن‌گستر، آنها را تهدیدزاتر می‌کند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴) چهارمین متغیر تأثیرگذار در ایجاد موازنه، نیت تهاجمی دولت‌هاست. این متغیر مبین آن است که هرچه از نظر دیگران نیت تهاجمی قدرتی آشکارتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که آنها به موازنه روی آورند. (همان: ۳۵) بنابراین در این پژوهش از نظریه موازنه تهدید استفن والت استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد چارچوب تئوریک مناسبی برای تحلیل موضوع پژوهش و رفتارها و سیاست‌های رژیم صهیونیستی در ارتباط با اقلیم کردستان و جمهوری اسلامی ایران باشد.

ویژگی‌ها و تحولات اقلیم کردستان

ایران ۱۳۳۶ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد که حدود ۵۰۰ کیلومتر آن متعلق به مناطق کردنشین است. با تشکیل اقلیم کردستان عراق، روابط ایران با آنها عموماً حسنه بوده است. هرچند با برگزاری همه‌پرسی استقلال این روابط دچار تنش شده و سطح مناسبات را کاهش داده است. با این

وجود همواره تحولات کردستان عراق برای ایران مهم بوده و باعث ایجاد نگرانی‌هایی شده است. شایان ذکر است کردهای عراق با کردهای ایران قرابت تاریخی، فرهنگی و مذهبی داشته و همیشه گرایش‌ها و همسویی آنها با ایران بهتر و بیشتر از کشورهای دیگر منطقه بوده است. کردها ایرانی‌نژاد بوده و تا عصر صفوی همواره جزء امپراتوری ایران بوده‌اند. اما در سال ۱۵۱۴ بر اثر جنگی که بین سلطان سلیم عثمانی و شاه اسماعیل صفوی رخ داد، برابر معاهده‌ای، دو سوم مناطق کردنشین رسماً از ایران جدا و به امپراتوری عثمانی ملحق گردید. با فروپاشی عثمانی در سال ۱۹۱۹ نیز مناطق کردنشین آن بین سه کشور جدید ترکیه، سوریه و عراق تقسیم شد. (منصوری حمل‌آبادی، ۱۳۷۶: ۲۳) این تقسیمات و چندپارگی سرزمین کردستان موجب شد که در دو قرن گذشته به‌ویژه بعد از جنگ جهانی اول مناطق کردنشین شاهد حوادث و شورش‌هایی گردد. در این راستا، کردهای عراق توانستند بعد از چند دهه جنگ و درگیری با دولت‌های مختلف عراق، حکومت محلی خود را بر مبنای قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت در سال ۱۹۹۱ بعد از جنگ اول خلیج فارس ایجاد نمایند که با حمله دوم آمریکا به عراق در بهار سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام و اشغال عراق و پذیرش نظام فدرالیسم در قانون اساسی جدید عراق، حکومت خودگردان کردها شکل قانونی به خود گرفته و تداوم یافت. وسعت کردستان عراق حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع است. اما تنها ۴۰۰۰۰ کیلومتر آن شامل استان‌های اربیل، سلیمانیه و دهوک در محدوده حکومت اقلیم کردستان قرار دارد. مابقی مناطق کردنشین عراق، در محدوده استان‌های نینوا، صلاح‌الدین، کرکوک، واسط و دیاله قرار گرفته‌اند که از موضوعات مورد مناقشه اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق است. اقلیم دارای مرز مشترک با سه کشور ایران، ترکیه و سوریه بوده و جمعیت آن حدود پنج میلیون و دویست هزار نفر می‌باشد. اربیل مرکز سیاسی و بزرگ‌ترین شهر اقلیم است که بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارد. در حال حاضر، حکومت اقلیم کردستان دارای کابینه و هیئت وزیران، پارلمان محلی با ۱۱۱ کرسی و نیروی نظامی موسوم به پیشمرگه با حدود ۱۳۰ هزار نفر می‌باشد. ۳۲ کشور در اقلیم کردستان دارای دفتر نمایندگی هستند. ایران در شهرهای اربیل و سلیمانیه دارای کنسولگری بوده و حکومت اقلیم کردستان نیز در تهران دفتر نمایندگی دارد.

برگزاری همه‌پرسی استقلال

حکومت اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق دارای اختلافاتی است که موارد عمده آن شامل مسئله کرکوک و مناطق کردنشین استان‌های مجاور اقلیم، درآمدهای نفتی و گمرکی، عدم پرداخت حقوق کارمندان دولتی و نیروهای پیشمرگه می‌باشد. اختلاف بر سر کرکوک به سبب وجود منابع سرشار نفت و

گاز در آن است که اهمیت راهبردی به آن بخشیده است زیرا کرکوک پس از بصره دومین میدان نفتی بزرگ عراق را در خود جا داده و با حدود ۱۰ میلیارد بشکه ذخیره قطعی نفت و سهم ۴۰ درصدی در صادرات نفت عراق، از جایگاه بالایی در معادلات اقتصادی این کشور برخوردار است.

مسعود بارزانی برای برون‌رفت از بحران‌های سیاسی داخلی، مسائل و اختلافات با دولت مرکزی را مستمسکی قرار داد تا طی چند ماه با دادن مانور روی موضوع استقلال کردستان، نسبت به احیا جایگاه سابق و افزایش محبوبیت خود اقدام نماید. از این‌رو همه‌پرسی را علی‌رغم مخالفت گروه‌های سیاسی کرد نظیر احزاب ترکمن، جنبش گوران و جماعت اسلامی و بخشی از نیروهای اتحادیه میهنی و هشدارهای ترکیه و ایران و بسیاری از کشورهای منطقه و غربی در ۳ مهر ۱۳۹۶ اجرا نمود. برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان بازتاب‌های گسترده‌ای در منطقه و جهان داشت. کشورها و نهادهای بین‌المللی در مورد آن موضع مخالف گرفته و از وحدت و یکپارچگی عراق حمایت کردند. اتحادیه عرب، دبیرکل سازمان ملل، روسیه، چین، سوریه، آلمان، کویت، انگلستان و آمریکا مخالفت خود را با برگزاری همه‌پرسی اعلام و بر حفظ تمامیت ارضی عراق تأکید کردند. (روزنامه جوان، ۱۳۹۶/۷/۵: ۱۲)

وزارت خارجه آمریکا هم طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «واشنگتن از برگزاری این همه‌پرسی که به صورت یک‌جانبه انجام و مناطق خارج از اقلیم کردستان عراق را نیز شامل شد عمیقاً ناامید شده است. این همه‌پرسی باعث بی‌ثباتی و تشدید مشکلات مردم کردستان و پیچیدگی روابط آنها با دولت مرکزی عراق و همسایگانش خواهد شد». (روزنامه آفتاب یزد ۱۳۹۶/۷/۵: ۱۵)

به دنبال برگزاری همه‌پرسی، دولت‌های ایران و ترکیه اقدام به انجام مانورهای مشترک با نیروهای عراقی کرده و پروازهای خود به مقصد اربیل و سلیمانیه را لغو و آسمان کشورشان را به روی پروازها از مبدأ و مقصد اقلیم کردستان بستند. همچنین اقدام به بستن گذرگاه‌های مرزی با اقلیم کردستان نمودند. سرلشگر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به ترکیه سفر و با مقامات آن کشور دیدار و گفتگو کرد. به دنبال آن رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، و رئیس ستاد ارتش ترکیه ژنرال خلوصی اکار به ایران سفر و مذاکراتی صورت گرفت. دکتر روحانی در دیدار با اردوغان عنوان کرد: «دوکشور تشدید اختلافات قومی و مذهبی که از سوی توطئه‌گران و بیگانگان برای منطقه طراحی شده و همچنین مسئله تجزیه‌طلبی در منطقه را نمی‌پذیرند و از دیدگاه دو کشور، عراق یک کشور واحد است». (روزنامه شهروند ۱۳۹۶/۷/۱۳: ۷) با حمایت کشورها و نهادهای بین‌المللی از تمامیت ارضی عراق و تأکید آنها بر حفظ وحدت و یکپارچگی آن، منجر به عقب‌نشینی حکومت اقلیم کردستان و اعلام تعلیق نتایج همه‌پرسی شد. در جریان همه‌پرسی تنها رژیم صهیونیستی از اقدام کردها حمایت کرد. بارزانی با انجام همه‌پرسی

توانست محبوبیت مردمی و حمایت گروه‌های سیاسی کرد عراق را جلب نماید. اقدام او با اقبال و حمایت خارجی نیز مواجه نشد، تنها راه استعفاء و کناره‌گیری از قدرت بود بنابراین به ناچار در ۱۰ آبان ماه ۱۳۹۶ از قدرت کنار رفت. اقدامات او هزینه سنگینی برای حکومت اقلیم داشت و ترمیم و بازسازی این شکست‌های سیاسی سخت و پر هزینه خواهد بود. همه‌پرسی نه‌تنها استقلال کردها را به همراه نیاورد بلکه اختلاف و تنش و چندپارگی گروه‌ها و احزاب سیاسی اقلیم کردستان را بیشتر نمود.

رویکرد رژیم صهیونیستی در قبال کردستان عراق

حضور یهودیان در عراق به دوران قوم بابل در قرن ششم پیش از میلاد در دوران زمامداری نبوکد نصر پادشاه بابل بر می‌گردد. در این دوره او پس از نابود کردن یهودیان در اورشلیم، امکان مهاجرت گروهی از یهودیان را از فلسطین به بابل فراهم آورد. این در حالی است که پادشاهان پس از او در عراق به این دسته از یهودیان اجازه دادند تا بار دیگر به فلسطین بازگردند. در این میان تعداد اندکی از یهودیان تصمیم گرفتند تا در عراق به زندگی خود ادامه دهند. بعد از ظهور دین اسلام، فعالیت یهودیان از زمان خلفای عباسی محدود و در برخی زمینه‌ها نیز ممنوع شد. با این حال یهودیان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق نقش داشتند. با اعلام برپایی رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی در سال ۱۹۴۸ و درگیری اعراب و یهودیان، بمب‌گذاری‌هایی نیز در اماکن مذهبی و مراکز شورای یهودیان عراق صورت گرفته و رعب و وحشت در بین آنان ایجاد شد. بدین خاطر، پارلمان عراق در سال‌های ۱۹۵۱ - ۱۹۵۰ مجوز مهاجرت یهودیان را صادر کرد. در این زمان دو مزدور یهودی به نام‌های «عزرا و نحمیا» مسئولیت انتقال ۱۱۰ هزار یهودی عراقی به سرزمین‌های اشغالی فلسطین را بر عهده گرفتند که در این میان ۳۰ هزار نفر از یهودیان کرد شمال عراق بودند. (البرز، ۱۳۷۹: ۶۴) بنابراین، حضور قابل‌توجه اکراد یهودی در اسرائیل و مشترکات تاریخی، فرهنگی آنان با اکراد شمال عراق، هم‌جواری این منطقه با جمهوری اسلامی ایران و وجود ذخایر نفتی در آن و غیر عرب بودن آنها و با هدف تضعیف دولت عراق، رژیم صهیونیستی را علاقه‌مند به حضور و اعمال نفوذ در مسئله اقلیم کردستان نموده است. برای بررسی و تحلیل بهتر روابط رژیم صهیونیستی و کردهای عراق و نگرانی‌های ایران در این باره، بهتر است آن را به دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم نماییم. چون در این دو مقطع، سیاست‌های ایران و رژیم صهیونیستی در قبال هم و منطقه دچار تغییرات بنیادی شده است.

۱. قبل از انقلاب اسلامی

رژیم صهیونیستی از زمان تشکیل سعی در برقراری روابط با کشورها و اقوام غیر عرب منطقه داشته است

که بر مبنای سیاست اتحاد پیرامونی بن گوریون شکل گرفته است. در این استراتژی اهمیت و جایگاه کردهای عراق ویژه بوده است. از این رو از زمان تشکیل با کردهای عراق در ارتباط بوده و سعی در حمایت و آموزش و تجهیز آنها بر علیه دولت عراق داشته است. اولین دوره آموزش افسران کرد در اسرائیل در اوت ۱۹۶۵ انجام شد. دیدار اول ملا مصطفی بارزانی از اسرائیل نیز در ۵ آوریل ۱۹۶۸ صورت گرفت که جزئیات آن در کتاب سفر سَری نوشته اسحاق بن گوریون آمده است (Randal, 1999: 68) وزیر دفاع وقت عراق سرلشکر ستاد عبدالعزیز العقیلی در ژانویه ۱۹۶۶ طی بیانیه معروف خود اعلام کرد:

شرق و غرب دست به دست هم داده‌اند تا به شورشیان کرد یاری رسانده و باعث تولد اسرائیل جدیدی در شمال عراق گردند، همان گونه که در سال ۱۹۴۸ اقدام به خلق اسرائیل نمودند. (افراسیابی، ۱۳۸۳: ۷۲)

رافائیل ایتان فرمانده سابق ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی در کتاب *مأموریت یک سرباز* از سفر خود به کردستان عراق و دیدار با ملا مصطفی بارزانی و دو پرسش اشاره کرده است. در اواخر دهه ۶۰ نیز رئیس وقت موساد «ماییر آمیت» دیداری از کردستان عراق داشته است. (البرز، ۱۳۷۹: ۶۸) در آن سال‌ها هدف اصلی رژیم صهیونیستی از کمک به کردهای عراقی این بود که دولت عراق را تضعیف نموده و ارتش عراق را از جنگ یا پشتیبانی از جنگ با صهیونیست‌ها باز دارند. عزروایزمن از رؤسای پیشین رژیم صهیونیستی که در آن زمان ریاست ستاد ارتش اسرائیل را برعهده داشت در مصاحبه‌ای می‌گوید:

منافع اسرائیل حکم می‌کند تا دولتی را در پشت عراقی‌ها داشته باشند. به نحوی که این دولت بتواند خواب خوش را از عراقی‌ها گرفته و آنها را از مبارزه بازدارند. (افراسیابی، ۱۳۸۳: ۷۵)

رژیم پهلوی در ایران نیز در ۲۳ اسفند سال ۱۳۲۸ رژیم صهیونیستی را به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخت، و روابط دو کشور در این دوره در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی روز به روز گسترش یافت. (الوندی، ۱۳۹۵: ۱۸۶) که این رویکرد بیشتر به جهت همراهی و همسویی ایران با سیاست‌های آمریکا در منطقه صورت می‌گرفت. و بدین لحاظ هر دو کشور عموماً دارای سیاست‌های مشترکی در قبال مسائل منطقه بودند که یکی از آنها در فشار قرار دادن رژیم چپ و متمایل به شوروی و بلوک شرق عراق و حمایت از کردها برای تضعیف دولت آن کشور بود. رژیم صهیونیستی از زمان کودتای ۱۹۵۸ در عراق و به رهبری ژنرال عبدالکریم قاسم، به شدت از موج وسیع ناسیونالیسم عربی که کشورهای عرب منطقه و پیرامون اسرائیل را در بر گرفته بود، واهمه داشت. کاملاً واضح بود که شاه ایران با سابقه

مصطفی بارزانی در حمایت او از غائله جمهوری مهاباد و همچنین گذراندن دوران تبعید در شوروی و گرایشات چپ او، هیچ‌گاه اجازه شکل‌گیری حکومت خودمختار کردی در جوار مرز ایران را نمی‌داد. اما شاه ایران، با این استدلال که حمایت از کردها برای جنگ با دولت عراق، از یک سو می‌تواند مانع از ورود شوروی به عراقی شود که به جبهه چپ‌ها متمایل بود، حمایت مشروط از کردها را آغاز کرد و به این ترتیب، مرز ایران و عراق، به پایگاه مشترک ایران و رژیم صهیونیستی برای حمایت از کردهای عراق بدل شد. رژیم صهیونیستی از هیچ کمکی به کردهای عراق دریغ نکرد. از آموزش نیروهای کرد تا ارسال سلاح‌های ساخت شوروی برای آنها که در جنگ با اعراب غنیمت گرفته بود. این روند تا زمان توافق ۱۹۷۵ الجزیره بین ایران و عراق ادامه داشت. به این ترتیب، رژیم صهیونیستی توانست تا مدت‌ها، خطر بالقوه‌ای به نام عراق را که داعیه ناسیونالیسم عربی داشت، از خود دور نگاه دارد. هرچند اسرائیل و به‌طور مشخص، نخست‌وزیر آن، اسحاق رابین بر این باور بود که «شاه کردها را فروخته است». (الوندی، ۱۳۹۵: ۱۸۸) از دیدگاه رژیم صهیونیستی، عراق با پشتیبانی شوروی به‌صورت پایگاه اصلی جهت نفوذ در خلیج فارس و گسترش گروه‌های چپ‌گرا در منطقه درآمده بود. (آجورلو، ۱۳۸۸: ۱۱۲) بنابراین ایران و رژیم صهیونیستی در دوره پهلوی مواضع مشترکی نسبت به کردستان عراق داشته و با استفاده از نیروی آنها سعی داشتند سیاست‌ها و اهداف استراتژیک خود را در منطقه پیگیری نمایند.

۲. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی، تأثیرات بسیاری بر منطقه خاورمیانه و جهان اسلام داشت، و موجب تقویت جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام و به‌ویژه منطقه خاورمیانه و حمایت همه‌جانبه نظام جمهوری اسلامی از جنبش فلسطین و قطع رابطه با رژیم صهیونیستی شد. استراتژی ایران در قبال رژیم صهیونیستی از یک متحد شماره یک سیاست‌های آمریکا و حامی رژیم صهیونیستی، با ۱۸۰ درجه چرخش به دشمن آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه تبدیل شد. این تغییر رویکرد در نظام ایران، رژیم صهیونیستی را دچار چالش‌های اساسی در منطقه نموده است. ایران به دنبال حمایت از محور مقاومت در سوریه و لبنان و جنبش انتفاضه در فلسطین است. اظهارات صریح امام خمینی بر علیه اسرائیل نظیر: «اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود». (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶/۸/۱۶) و یا اظهارات رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نظیر: «صهیونیسم و دولت غاصب و مجعول صهیونیستی در فلسطین، محکوم به فناست». (همان) باعث شده تا رژیم صهیونیستی از ایران واهمه داشته و به دنبال اقداماتی علیه آن باشد. در این راستا، کردستان عراق در جوار مرز ایران

بهترین فرصت و موقعیت را می‌تواند برای رژیم صهیونیستی ایجاد نماید. بدین دلیل تحولات اقلیم کردستان در کانون توجهات آن رژیم قرار گرفته است.

بنابراین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با حمله عراق به ایران سعی شد نظام تازه تأسیس ایران در فشار قرار گرفته و تضعیف گردد. در این زمان نیز روابط بین عراق و رژیم صهیونیستی تیره بوده و احساس خطر از نظام صدام حسین و داعیه او در رهبری جهان عرب و حمایت او از فلسطین موجب شد تأسیسات هسته‌ای آن کشور مورد حمله رژیم صهیونیستی قرار گیرد. از این رو در ۱۷ خرداد ۱۳۶۰، هشت جنگنده اف ۱۶ اسرائیلی تأسیسات و راکتور هسته‌ای اوسیراک عراق را بمباران نمودند. (کیانی موحد، ۱۳۹۷: ۲) نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، مناخم بگین و وزیر دفاع این رژیم، آریل شارون این راکتور را مرکز تلاش‌های صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق برای ساخت تسلیحات هسته‌ای دانسته و معتقد بودند که این تأسیسات خطر جدی را متوجه اسرائیل می‌کند. در سال ۱۹۹۱ در جریان جنگ آمریکا و متحدینش با عراق جهت آزادسازی کویت، دولت عراق نیز ۳۹ موشک به سمت اسرائیل پرتاب کرد که در اثر اصابت این موشک‌ها ۷۹ اسرائیلی کشته شدند. (الکوثر، ۱۳۹۷/۸/۱۶)

بعد از جنگ اول خلیج فارس و شکست و ناکامی صدام در الحاق دائمی کویت به عراق و شورش مردم کرد و سرکوب آنها توسط صدام حسین و آوارگی صدها هزار کرد، براساس پیشنهاد جان میجر، نخست‌وزیر وقت انگلستان، شورای امنیت اقدام به صدور قطع نامه ۶۸۸ و اعلام منطقه امن و پرواز ممنوع در مدار بالای ۳۶ درجه در شمال عراق نمود که منجر به شکل‌گیری دولت خودگردان کردستان عراق، متشکل از سه استان دهوک، اربیل و سلیمانیه گردید. از زمان فعالیت حکومت خودگردان در کردستان عراق، رژیم صهیونیستی تلاش مستمر داشته تا روابط و نفوذ خود را در میان کردهای منطقه گسترش دهد. براساس گزارش نشریه نیویورکر، اسرائیل فعالانه از کردهای عراقی که تحت لوای فدرالیسم در عراق، در پی فراهم آوردن استقلال خود هستند حمایت می‌کند. (Bengio, 2014: 3) سیمور هرش معتقد است: سرویس مخفی اسرائیل موسوم به موساد مشغول اجرای عملیات محرمانه در بین کردهای ایران و سوریه و همچنین آموزش کماندوهای کرد و سازمان‌دهی آنها به‌مثابه وزنه در مقابل جنگجویان شیعه است. (افراسیابی، ۱۳۸۳: ۷۱) همچنین اسرائیل تلاش دارد بخشی از یهودیان کرد اسرائیل را به کردستان عراق بازگردانده و توسط آنها به سرمایه‌گذاری در آن مناطق بپردازد. هدف اسرائیل این است که یهودیان کرد را در دو منطقه با نام‌های اور و بابل تمرکز و اسکان دهد. چون ادعا می‌کند که اور محل زندگی حضرت ابراهیم و بابل نیز محل زندگی حضرت یعقوب بوده‌اند بنابراین این دو منطقه برای اسرائیلی‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (ندای قدس، ۱۳۸۲: ۱۸) پس ملاحظه می‌شود که روابط ایران و رژیم

صهیونیستی که در قبل از انقلاب همسو با آمریکا در منطقه بوده است، بعد از پیروزی انقلاب دگرگون و دچار تغییرات اساسی شده است. از این رو همواره تحولات اقلیم کردستان در کانون توجهات رژیم صهیونیستی قرار داشته و این امر نگرانی‌های ایران را بیشتر نموده است.

مواضع رژیم صهیونیستی نسبت به همه‌پرسی استقلال در اقلیم کردستان

رژیم صهیونیستی همیشه سعی داشته کردها را به نوعی با وضعیت خود در منطقه مقایسه و آنها را با خود همراه نماید. حتی در این راستا به تاریخ‌سازی نیز روی آورده است. روزنامه هآرتس مقاله‌ای در خصوص رابطه ژنتیکی یهودیان و کردها منتشر و اعلام کرده است: پژوهش‌هایی که در دانشگاه عبری اورشلیم صورت گرفته نشان می‌دهد که کردها و یهودی‌ها از نظر ژنتیکی بیشترین شباهت را به هم دارند و اجداد یکسان آنها در جنوب شرقی ترکیه و شمال عراق زندگی می‌کردند. و یا حیدر دومل، استاد دانشگاه دهوک، می‌گوید: کردها همیشه تصور می‌کردند با اسرائیل دوست هستند زیرا یهودیان کرد در اسرائیل و کردهای یهودی در کردستان حضور دارند و تاریخ مشترکی از ستم دارند. (قاسمی، ۱۳۹۶: ۳۴) از این رو همیشه تشکیل دولت مستقل کردی مورد توجه رژیم صهیونیستی بوده و دولت‌های متعدد آن حتی پیش از برگزاری همه‌پرسی، کردها را تشویق به این کار می‌کردند. نتانیاهو در سال ۲۰۱۴ از خواسته کردها برای رسیدن به استقلال اعلام حمایت کرده بود. (مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۷/۳) کارشناسان مرکز مطالعات استراتژیک «بگین - سادات» اسرائیل در جدیدترین پژوهش‌های منطقه‌ای خود اعلام کرده‌اند: «اسرائیل به دولت مستقل کردستان احتیاج دارد». (همان: ۱۳۹۶/۶/۲۹) گیدون سار از حزب لیکود رژیم صهیونیستی که از وی به‌عنوان نخست‌وزیر سال ۲۰۱۹ آن رژیم نام برده می‌شود در جدیدترین اظهارات خود اعلام کرده است: «از برگزاری referendum استقلال کردستان عراق در ۲۵ سپتامبر حمایت می‌کنم» (همان) ادی کوهن از آکادمیسن‌های معروف رژیم صهیونیستی که نتوانسته شوق و ذوق خود از تشکیل دولت کردستان در منطقه را پنهان کند در این باره می‌گوید:

به نمایندگی از دولت اسرائیل و از تل‌آویو به شما مردم گُرد ندا می‌دهم که پدران و اجداد شما برای این فرصت تاریخی به وجود آمده و جان خود را فدا کرده‌اند! ای مردم گُرد! زمان استقلال فرا رسیده است! به این referendum تاریخی «آری» بگویید! مردم و دولت اسرائیل تا آخر از شما حمایت خواهند کرد. زمان تشکیل دولت کردستان فرا رسیده است. (همان: ۱۳۹۶/۶/۲۰)

خانم ژینت اسکاندرانی پژوهشگر فرانسوی و بنیان‌گذار انجمن «سنگ و درخت زیتون» می‌گوید:

به نظر من موضوع درک اصرار مسعود بارزانی بر برگزاری همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان از عراق و حمایت اسرائیل از آن ساده است، چون منطقه‌ای که کردهای عراق در آن قرار دارند دارای منابع سرشار نفت است و از آنجا که مسعود بارزانی به اسرائیل قول داده نفت را تقدیم کند، بنابراین یکی از دلایل حمایت اسرائیل از تجزیه عراق نیز همین موضوع است. ولی حمایت اسرائیل از تجزیه عراق هرگز در آینده به نفع کردها نخواهد بود. (همان: ۱۳۹۶/۶/۲۹)

با برگزاری همه‌پرسی در عراق تعدادی از مردم کردستان عراق از پرچم اسرائیل در کنار پرچم کردستان در شهرهای اربیل و کرکوک استفاده کرده و شعار ما اسرائیل دوم هستیم سردادند. در تل‌آویو نیز تعدادی از اسرائیلی‌ها با پرچم اقلیم کردستان جلوی سفارت آمریکا تجمع کرده و به حمایت از همه‌پرسی پرداختند. ژنرال سروان بارزانی فرمانده پیشمرگان کردستان عراق در این باره می‌گوید:

اسرائیل تنها کشور در جهان است که رسماً از برگزاری رفراندوم درباره استقلال کردستان عراق حمایت کرده است. هم اکنون ما در وضعیت بسیار دشواری قرار داریم. این مرحله گذار در تاریخ کردهاست. ما کسانی را که از ما حمایت کردند فراموش نخواهیم کرد. اسرائیل یکی از این کشورهاست. ما فاقد مرز مشترک و حریم هوایی مشترک با اسرائیل هستیم. از این رو هیچ‌گونه کمک نظامی از اسرائیل دریافت نکرده‌ایم. اما از حمایت سیاسی و اخلاقی برخوردار شدیم. ما سپاسگزار نخست‌وزیر اسرائیل هستیم. (اسپوتنیک نیوز، ۲۰۱۷/۹/۲۵)

اقدامات اقلیم کردستان و نگرانی‌های ایران

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای همسایه عراق که دارای طولانی‌ترین مرز مشترک با این کشور است، نسبت به آینده عراق و تحولات اقلیم کردستان نگران است. چراکه اقلیم کردستان کم‌وبیش تأثیرات خاص خود را بر ایران و به‌ویژه بر مناطق کردنشین آن داشته که مهم‌ترین آنها شامل موارد ذیل است:

۱. اولین نگرانی ایران در مورد اقلیم کردستان در شمال عراق، مربوط به ایجاد مطالبات جدید در بین کردهای ایران است. بر این اساس، کردهای عراق در طول فعالیت اقلیم کردستان، در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی به پیشرفت‌های قابل‌توجهی دست یافته‌اند. (مقصودی، ۱۳۸۲: ۸۶) این مسئله باعث شکل‌گیری مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در بین آنها شده است. البته در مورد مطالبات سیاسی کردهای ایران دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. دیدگاه اول متعلق

به گروه‌های سیاسی مخالف نظام است که محور اصلی آن مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظام لیبرالیستی در اداره مناطق کردنشین در قالب نظام فدرالیسم است و دیدگاه دوم به نخبگان سیاسی درون حکومت مربوط می‌شود که سعی دارند با حضور و مشارکت در عرصه سیاسی و مدیریت کلان کشور در راستای قانون اساسی حرکت کرده و مطالبات خود را در قالب اصول اجرا نشده قانون اساسی پیگیری نمایند. (شیرازی و امجدیان، ۱۳۸۷: ۱۴۲) محور مطالبات اقتصادی، وجود نابرابری در شاخص‌های توسعه در مناطق کردنشین کشور است و محور مطالبات فرهنگی نیز در توجه به گسترش زبان و ادبیات کردی و مطبوعات است.

۲. دومین نگرانی ایران مربوط به شکل‌گیری دولت مستقل کرد در شمال عراق است. براین اساس، فدرالیسم ممکن است زمینه را برای تجزیه عراق و تشکیل دولت مستقل کرد فراهم آورد. در صورت تحقق این امر، شمال عراق به جولانگاه اسرائیل تبدیل می‌شود تا از طریق آن به مرزهای ایران نزدیک و سیاست‌های خود را بهتر پیگیری نماید. (Bengio, 2017: 2) این سناریو حاوی بیشترین نتایج برای نیروهای سیاسی کرد در شمال عراق است و در واقع اهداف، آرمان و آرزوهای دیرینه کردها را در بردارد. و اسرائیل تلاش دارد با حمایت از استقلال اقلیم کردستان، سطح انتظارات و مطالبات کردهای منطقه و به‌ویژه ایران را افزایش دهد. (Alnoami, 2015: 3) این سناریو در صورت تحقق، بیشترین تبعات منفی امنیتی را برای ایران دربر خواهد داشت. زیرا در آن صورت، اقلیم کردستان بیشترین وابستگی را به غرب و ایالات متحده و رژیم صهیونیستی خواهد داشت و اولویت‌های سیاسی آن نسبت به ایران براساس دیدگاه‌های آنها صورت می‌گیرد. در این گزینه احتمال دستکاری سیاسی در امنیت ایران به حداکثر می‌رسد و الگوهای سیاسی حاوی تهدیدهای امنیتی پس از استقرار دولت جدید مطرح شده و امنیت ملی ایران را به چالش خواهد کشید. (کریمیان، ۱۳۸۱: ۴۶)

۳. نگرانی بعدی ایران، در مورد ایده شکل‌گیری «کردستان بزرگ» است. در این زمینه، باید گفت وقتی که در بهار ۱۳۷۹، حزب دموکرات کردستان عراق اساسنامه جدید خود را تنظیم و تصویب نمود، در اولین صفحه آن به مسئله کردستان بزرگ اشاره نمود. (کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۳۸) بر این اساس، شکل‌گیری کردستان فدرال در شمال عراق و توسعه آن با کمک‌های خارجی در کنار اساسنامه‌های کردی مبنی بر تشکیل کردستان بزرگ، به تدریج می‌تواند بر ذهن کردهایی که به صورت اقلیت در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند، تأثیر بگذارد. اقلیم کردستان از حمایت مالی و معنوی خارجی برخوردار است. در نتیجه، آنها با اتکا به حمایت‌های خارجی به دخالت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در کشورهای همسایه می‌پردازند. آنها سعی در هویت‌سازی بر پایه ناسیونالیسم کردی داشته

و این توانایی را در اختیار مخالفان قرار می‌دهند تا وضعیت آنها را نسبت به آینده توجیه و حکومت اقلیم کردستان را به‌عنوان یک الگوی الهام‌بخش برای دیگر کشورهای دارای اقلیت کرد و ازجمله ایران معرفی نمایند. (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۲) که این مسئله می‌تواند یکپارچگی و انسجام کشور را تحت تأثیر قرار دهد و بر دامنه تعارضات اجتماعی افزوده و مخالفان داخلی را با عوامل خارجی مرتبط کند و در نهایت می‌تواند به ایجاد خلل در مشروعیت منجر گردیده و به تبع آن باعث تضعیف قدرت، امنیت و منافع ملی گردد.

۴. موضوع دیگر مربوط به گرایش رهبران سیاسی حکومت محلی کردستان عراق در خصوص تحمل پایگاه گروه‌های کرد اپوزیسیون ایران در داخل این اقلیم است. به همین جهت، جمهوری اسلامی ایران پیوسته به محدود کردن فعالیت‌های اپوزیسیون مسلح کرد ایرانی در شمال عراق پرداخته است. بدین منظور با اعمال سیاست تعامل و همکاری با گروه‌ها و احزاب کرد عراق، توافق‌هایی برای محدود کردن گروه‌های اپوزیسیون صورت گرفته است که ازجمله آنها می‌توان به توافق با طالبانی در سال ۲۰۰۵ اشاره کرد که در نتیجه آن فعالیت رادیویی حزب دموکرات کردستان ایران که از سلیمانیه علیه ایران برنامه پخش می‌کرد، متوقف شد. (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۱۸۹) یکی از سیاست‌های رژیم صهیونیستی از حضور در عراق، ارتباط‌گیری و استفاده از توان و ظرفیت نیروهای کرد مخالف ایران در اقلیم کردستان و استفاده از آنان در راستای سیاست‌های خود است.

۵. نگرانی دیگر جمهوری اسلامی ایران مربوط به سلطه امنیتی قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بر عراق و تحمیل خواسته‌های خود به این کشور است که این خواسته‌ها می‌تواند اوضاع امنیتی ایران را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داده و فدرالیسم عراق را در جهت دلخواه هدایت کند. بر این اساس، میزان اختیارات اعطا شده به مناطق فدرال در قانون اساسی عراق موجب گردیده تا حکومت مرکزی اقتدار فراوانی نداشته باشد. (کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۳۹) در نتیجه، آنها آزادانه با دیگر کشورها ارتباط می‌گیرند و حکومت مرکزی عراق به‌طور مؤثر نمی‌تواند پاسخ‌گوی رفتار آنها با دولت‌های همسایه باشد. بنابراین این ظرفیت در نظام سیاسی عراق و آزادی عمل حکومت اقلیم در پیگیری سیاست‌های مستقل از دولت مرکزی، زمینه‌های حضور رژیم صهیونیستی در شمال عراق و توسعه روزافزون مناسبات آن با حکومت اقلیم را در پی داشته است.

۶. با موفقیت فدرالیسم در عراق، توان چانه‌زنی آمریکا در مقابل سایر بازیگران منطقه‌ای به‌خصوص ایران که به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای مخالف آمریکا مطرح است افزایش می‌یابد و از طرفی دیگر امکان عرضه پایگاه‌هایی به ارتش آمریکا توسط دولت خودمختار کرد در شمال عراق نگرانی‌ها را بیشتر می‌کند.

(سلطانی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۱۱) مقامات رژیم صهیونیستی معتقدند همان گونه که ایران در جنوب لبنان یعنی در مجاورت اسرائیل حضور دارد، اسرائیل نیز حق دارد در مجاورت مرزهای ایران، یعنی کردستان عراق حضور داشته باشد. حضور اسرائیل در کردستان عراق را می‌توان در چارچوب دکترین «محورهای پیرامون بن گوریون» تحلیل کرد که براساس آن، اسرائیل اتحاد با کشورهای غیرعرب پیرامون را در دستورکار خود دارد. طرح B که مبنی بر کمک بیشتر به کردها بود و توسط شارون طرح گردیده است (Hersh, 2004: 86) و طرح‌های دیگر در این زمینه‌ها، همه نشان‌دهنده این واقعیت است که جمهوری اسلامی ایران نباید از ناحیه مرزهای غربی احساس امنیت نماید (کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۴۸) بنابراین، وجود این طرح‌ها و حضور گسترده رژیم صهیونیستی در کردستان عراق، حقانیت دغدغه تصمیم‌گیرندگان و مدیران نظام را به این مهم آشکارتر می‌سازد.

نتیجه

تحولات کردستان عراق از ابتدا تشکیل رژیم صهیونیستی، مورد توجه آنها بوده است. در دوره پهلوی به لحاظ روابط حسنه بین ایران و رژیم صهیونیستی هر دو در منطقه و کردستان عراق سیاست همسویی را پیگیری می‌کردند. که بیشتر متأثر از سیاست‌های آمریکا در منطقه بود. بعد از پیروزی انقلاب و به ویژه حمله عراق به ایران موجب حمایت ایران از کردهای عراق و به کارگیری آنها بر علیه دولت صدام حسین شد. اما جنگ‌های اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ منجر به شکست صدام و شکل‌گیری منطقه خودمختار در شمال عراق بر مبنای قطع نامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل شد. در جنگ دوم خلیج فارس در بهار سال ۲۰۰۳ نیز عراق توسط نیروهای آمریکایی اشغال و دولت صدام سرنگون و منجر به ایجاد نظام فدرال در عراق گردید و کردها در سایه همکاری و حمایت آمریکا توانستند به‌عنوان منطقه فدرال به شکل قانونی به فعالیت خود ادامه دهند. در طول حدود ۲۷ سال فعالیت حکومت کردها در شمال عراق، رژیم صهیونیستی تلاش دارد با بسط دایره نفوذ خود، در شمال عراق بتواند دو دشمن استراتژیک خود یعنی ایران و سوریه را تحت فشار قرار دهد. رژیم صهیونیستی تنها کشوری بود که از انجام همه‌پرسی در کردستان عراق حمایت کرد. با توجه به تنش‌های زیادی که آن رژیم با برخی از همسایگان خود در خاورمیانه دارد برخی معتقدند که رژیم صهیونیستی سعی دارد با استفاده از مسئله کردها و استقلال‌طلبی کردها به این کشورها فشار وارد کند و آنها را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کرده و باعث کاهش توجه آنها نسبت به مسئله صلح خاورمیانه گردد. بنابراین، فدرالی شدن و استقلال کردستان عراق در راهبردهای سیاسی رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک خاورمیانه جایگاه خاصی

را به خود اختصاص داده و از این مسئله به‌عنوان ابزار و اهرم فشار علیه کشورهای چپ‌ترک، ایران و سوریه استفاده می‌نماید. (Liga, 2017: 5)

هرچند روابط رسمی دیپلماتیک بین اقلیم کردستان و رژیم صهیونیستی وجود ندارد، و نیچروان بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق، در مصاحبه‌ای در واکنش به اقدام حامیان جدایی اقلیم کردستان از عراق که پرچم اسرائیل را در کنار پرچم اقلیم کردستان در جریان تظاهرات‌های خود برافراشته بودند، گفت:

برافراشتن پرچم اسرائیل ارتباطی با سیاست دولت کردستان ندارد و ما برنامه‌ای برای برافراشتن پرچم اسرائیل تدوین نکرده‌ایم و هیچ رابطه رسمی با اسرائیل نداریم. (ایسنا، ۱۳۹۶/۷/۵)

اما واقعیت گونه‌ای دیگر است. ده‌ها شرکت رژیم صهیونیستی در شمال عراق در طرح‌های مختلف مشغول فعالیت بوده و هم‌اکنون ۷۷ درصد نفت مورد نیاز آن رژیم از اقلیم کردستان تأمین می‌گردد. (امیری، ۱۳۹۶: ۹) ایران نیز که نگران اقدامات کردستان عراق و به‌ویژه بعد از همه‌پرسی استقلال است که منجر به بستن مرزهای هوایی و زمینی از سوی ایران، بنابر درخواست دولت عراق شد اما از ۱۲ دی ماه ۱۳۹۶ اقدام به بازگشایی مجدد مرزها نموده است. با توجه به حضور نیروهای معارض کرد ایرانی در اقلیم کردستان، رژیم صهیونیستی می‌تواند با حمایت و آموزش نیروهای آنها، تهدیداتی را متوجه جمهوری اسلامی ایران نماید. از این رو نیاز است ایران تلاش نماید تنش‌های بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق کاهش یافته و اختلافات موجود حل و فصل گردد. چراکه تداوم بحران زمینه را برای حضور و دخالت کشورهای چپ‌آمریکا و رژیم صهیونیستی فراهم ساخته و می‌تواند زمینه‌ساز برخی تهدیدات امنیتی علیه کشورمان باشد.

بر این اساس، حضور و توسعه روابط اقلیم کردستان و رژیم صهیونیستی و تلاش آن کشور برای نزدیکی به مرزهای غربی ایران از طریق اقلیم کردستان بر مبنای نظریه موازنه تهدید به ضرر ایران بوده و پیامدهای سیاسی و امنیتی در پی خواهد داشت. با توجه به تعارضات ایدئولوژیک شدید بین ایران و رژیم صهیونیستی، حضور آن رژیم در نزدیکی مرزهای ایران و حمایت از استقلال کردستان تهدیدی علیه منافع ملی ایران است. (Minasion, 2007: 54) نیاز است ایران کمافی‌السابق از وحدت و یکپارچگی عراق حمایت کرده و ضمن داشتن حساسیت نسبت به تحولات اقلیم کردستان، توجه بیشتری به مسائل و نارسایی‌های مناطق کردنشین خود داشته و بسترهای لازم را برای مشارکت و همگرایی بیشتر آنان و تقویت هویت ملی انجام دهد.

منابع و مآخذ

۱. آجورلو، حسین و سید روح‌الله حاج‌زرگرباشی، ۱۳۸۹، *ایران و مسئله اسرائیل*، تهران، دفتر گسترش تولید علم.
۲. ندای قدس، ۱۳۸۲، «کردستان عراق گذرگاه ورود صهیونیست‌ها»، *ندای قدس*، شماره ۷۲.
۳. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و فرامرز امجدیان، ۱۳۸۷، «تأثیر فدرالیسم عراق بر هنجارهای سیاسی و قومیتی کردهای ایران»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۴.
۴. احمدی‌پور، زهرا؛ ابراهیمی، رومینا و داوود کرمانی، ۱۳۸۶، «تأثیر حکومت اقلیم شمال عراق بر کردستان ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، پیش‌شماره‌های ۳ - ۲.
۵. اخوان کاظمی، مسعود و دیگران، ۱۳۹۶، «رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران»، *جستارهای سیاسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۲۴.
۶. افراسیابی، کاوه، ۱۳۸۳، «تلاش رژیم صهیونیستی برای نفوذ در کردستان عراق»، *نگاه*، سال چهارم، شماره ۴۴.
۷. الوندی، رهام، ۱۳۹۵، *نیکسون، کیسینجر و شاه*، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
۸. امیری، علیرضا، ۱۳۹۶، «همه‌پرسی استقلال کردستان عراق: خودزنی بارزانی یا احقاق حقوق کردها»، *نامه هویت*، سال دوم، شماره ۲۰.
۹. البرز، عبدالمجید، ۱۳۷۹، *تأثیر بحران کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
۱۰. بیژن، عارف، ۱۳۹۵، «رابطه رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، *اندیشکده راهبردی تبیین*، ۱۳۹۵/۱۰/۲۳، <http://tabyincenter.ir/16186>.
۱۱. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و سید روح‌الله حاج‌زرگرباشی، ۱۳۹۰، *سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده؛ توازن تا هژمونی*، تهران، مؤسسه مطالعات آمریکا.
۱۲. حق‌پناه، جعفر، ۱۳۸۷، *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۳. دوئرتی، جیمز و رابرت وفالتزگراف، ۱۳۸۸، *نظریه‌های متعارف در روابط بین‌الملل*، تهران، قومس.
۱۴. روحی، نبی‌الله، ۱۳۹۳، «استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال ۷، شماره ۲۴.

۱۵. روزنامه آفتاب یزد، ۱۳۹۶/۷/۵، ش ۵۰۰۲.
۱۶. روزنامه جوان، ۱۳۹۶/۷/۵، ش ۵۱۹۹.
۱۷. روزنامه شهروند، ۱۳۹۶/۷/۱۳، ش ۱۲۳۷.
۱۸. زیباکلام، صادق و محمدرضا عبدالله پور، ۱۳۹۰، «ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق عامل همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴.
۱۹. سلطانی نژاد، احمد، ۱۳۸۷، سامان سیاسی در عراق جدید، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چ ۲.
۲۰. عباسی، مجید و دیگران، ۱۳۹۲، «راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۱.
۲۱. قاسمی، فائزه، ۱۳۹۶، «کردستان و رژیم صهیونیستی: فرار از تنهایی استراتژیک یا پیوند استراتژیک»، نامه هویت، سال دوم، شماره ۲۰.
۲۲. کرمانی، داوود، ۱۳۸۶، «تأثیر فدرالیسم عراق بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روز، سال ششم، شماره ۲۴.
۲۳. کریمیان، کامیل، ۱۳۸۱، تحولات شمال عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، گزارش پژوهشی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. لیتل، ریچارد، ۱۳۸۹، تحول در نظریه‌های موازنه قوا، ترجمه غلامرضا چگنی‌زاده، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲۵. مقصودی، مجتبی، ۱۳۸۲، کردستان عراق؛ چشم‌انداز آینده، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲۶. منصوری حمل‌آبادی، عزیز، ۱۳۷۶، مسئله کردها و سیاست بین‌الملل، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
۲۷. موسوی‌زاده، علیرضا و مهدی جاودانی مقدم، ۱۳۸۸، «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی ایران»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۱.
۲۸. اسپوتنیک نیوز ۲۰۱۷/۹/۲۵ مقاله حمایت سیاسی اسرائیل از پیش‌مرگ‌ها:

<https://ir.sputniknews.com/world/20170925287534>

۲۹. ایسنا، ۱۳۹۶/۷/۵: <https://www.isna.ir/news/96070503539>
۳۰. حمله موشکی عراق به اسرائیل، ۱۹۹۱: <http://fararu.com/fa/news/106451>
۳۱. سایت الکوثر، ۱۳۹۷/۸/۱۶: <http://fa.alkawthartv.com/news/117546>
۳۲. سایت مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶/۸/۱۶: <https://icpalestine.parliran.ir/icp/fa/Content/articles/%D8%B3%D8%AE%D9%86%20%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%2013950808>
۳۳. کیانی موحد، رضا، عملیات اپرا یا حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق: <http://zionism.pchi.ir/show.php?page=contents&id=5273>
۳۴. مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۶/۲۰: <https://www.mashreghnews.ir/news/770751>
۳۵. مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۶/۲۹، مقاله: همه‌پرسی ۲۵ سپتامبر به نام کردها به کام اسرائیل: <https://www.mashreghnews.ir/news/776999/>
۳۶. مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۷/۳، مقاله تاریخچه روابط رژیم صهیونیستی و کردستان عراق: <https://www.mashreghnews.ir/news/778902>
37. Alnoami, Saleh, 2015, *Strategic dimensions of the relationship between Israel and Iraqi Kurdistan*, Middle East Monitor, September 1
38. Bengio, Ofra, 2014, "Suprising Ties between Israel and the Kurds", *Middle East Quarterly*, Summer, Vol. 21, No. 3.
39. Bengio, Ofra, 2017, *Has Ierael's Support for Kurdistan's Independence Helped or Harmed the Kurds?*, BESA Center Perspectives Paper, No. 637, November.
40. Hersh, Seymoue M., 2004, "*Israel Look to The Kurds*", Newyorker, July 86.
41. Liga, Aldo, 2017, *The Israel Factor and the Iraqi Kurdish Quest for Independence*, InstitutoAffariInternazionali (IAI), October.
42. Minasion, Sergey, 2007, "*The Israel – Kurdish Relations*", 21-st Century, No. 1.
43. Randal, Jonathan, 1999, *After Such Knowledge, What Forgetness*, Boulde, Westview Press.